

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
Making a Model for Analyzing the Contemporary Art World Based  
on the Clerical Apparatussystem of Religious World via Max  
Weber's Sociology of Religion  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## ساخت الگویی برای تحلیل جهان هنر معاصر براساس دستگاه روحانی جهان دینی با استفاده از جامعه‌شناسی دین ماکس وبر

مهدی قادرنژاد حمامیان\*<sup>۱</sup>، مرضیه پیراوی ونک<sup>۲</sup>، صدرالدین طاهری<sup>۳</sup>

۱. دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، اصفهان، ایران.
۳. استادیار، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۶ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۹/۰۱

### چکیده

بیان مسئله: نظام روحانی دین چگونه بر الگوی مسلط جامعه تأثیر می‌گذارد؟ عوامل شکل‌گیری جهان هنر معاصر کدام‌اند؟ ساختارهای نهادی هنر معاصر همچون گالری از طریق چه راه‌هایی شکل‌ها و فرم‌های جهان هنر را شکل داده‌اند؟

هدف و روش تحقیق: هدف اصلی این مطالعه، تطبیق ساختار جهان دینی و نظام روحانی آن در ساخت الگوی مسلط دوران بر جهان هنر (هنر معاصر) است. می‌خواهیم بگوییم که ساختار جهان دینی و دستگاه و نهادهای دینی، بر ایده مسلط دوران، عوامل و کنش‌های آنها و سلسله مراتب قدرت تأثیر مستقیم دارد. بدین منظور باید ساخت‌های دین و هنر و نظام روحانی درونی آنها، به مثابه حوزه گردش ایده، آشکار شده و با بیان نسبت هریک با ساختار قدرت، براساس جامعه‌شناسی دین وبر به یک رده‌گان‌شناسی از نهاد هنر (معاصر) و عواملان بسط آن دست یافته و تحولات ساختاری در هریک از میدان‌ها را نشان دهیم. برای فهم این سلسله‌مراتب و تکوین دستگاه روحانی، نخست به جهان اندیشه دینی و تأثیر آن بر شکل‌گیری سلسله‌مراتب و رفتار سوزدها پرداخته و در گام بعد به خود عوامل - نهادهای و نسبت آنها با ایده مسلط در جهان هنر معاصر می‌پردازیم.

نتیجه‌گیری: در پژوهش حاضر، دین و هنر به عنوان دو ظرف و متن همسان انگاشته شده‌اند. از خلال توجه به نقش نهادها و نیروهای آن در خلق جهان دینی به نظر می‌آید که می‌توان این مسیر را درست‌تر پیمود. می‌توان دید که اینجا کلیسا و دستگاه روحانی آن قرابت بسیاری به سازمان‌ها و نهادهای جهان هنر و ساخت سلسله‌مراتبی آن دارند. کلیسا به مانند دستگاهی روحانی است که به صورت نظام‌مند و تشکیلاتی دنبال ساخت الگو و شیوه عمل است. معادل کارویژه آن در جهان هنر را می‌توان در نهاد گالری دید و با آن تطبیق داد. پیشنهاد پژوهش حاضر برای مطالعه جهان هنر معاصر و شعبه‌های آن همچون هنر معاصر ایران، توجه به مسئله مشروعیت و نقش متخصصان دستگاه روحانی جهان هنر در ساخت و شکل‌گیری بی‌رقیب تمام وجوه هنر و زیباشناسی معاصر از طریق اعمال این مشروعیت است.

روش پژوهش حاضر در فهم این ساختار و سلسله مراتب، برآمده از جامعه‌شناسی دین وبر و برداشت ویژه او در تحلیل دستگاه روحانی جهان دین است. تحلیل و طبقه‌بندی‌ها را با استفاده از این زمینه نظری انجام داده‌ایم. **واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی دین وبر، دستگاه روحانی، متخصصان دین، جهان هنر، نهاد گالری.

\* نویسنده مسئول ۰۹۱۴۳۸۱۶۵۲۶ Mehdi.ghademezhad@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسئله

است. چارچوب نظری و ابزار مطالعه و تحلیل این بخش را از جامعه‌شناسی دین وبر و امکانات روش‌شناختی‌ای که آن در اختیار ما می‌گذارد، اخذ کرده‌ایم. بخش دوم شامل یافتن راهی برای مطالعه جهان دینی است که از طریق آن بتوان جهان هنر را که هدف اصلی این مطالعه است تحلیل و ساخت‌گشایی کرد. در پیشبرد این بخش نیز روش وبر در جامعه‌شناسی دین به ویژه در اخلاق پروتستان و روان‌شناسی دین‌های جهانی راهگشا است.

## فرضیه پژوهش

نظام روحانی جهان دین، ایده‌ها و کنش‌های جهان سوژه‌هایش را از طریق متن دین و دستگاه روحانی آن شامل متخصصان و کارگزارانش شکل می‌دهد. این امر را می‌توان بر جهان هنر نیز تطبیق داد.

ساختار حاکم بر نهاد گالری هنر معاصر به بهترین شکل بر نظام حاکم بر جهان هنر معاصر تطبیق دارد. دستگاه روحانی آن و تلاش برای تثبیت مرجعیت و قدرت از سوی دستگاه روحانی دین/ هنر در نهاد گالری به خوبی دیده می‌شود.

## مبانی نظری

### جامعه‌شناسی دین ماکس وبر

هنگامی که وبر به پژوهش درباره دین می‌پردازد، توجه او به دین «به منزله دین» نیست؛ یعنی موضوع مطالعه او مفهومی نیست که متکلم یا مورخ کلیسا از دین درمی‌یابد، بلکه می‌خواهد بفهمد که چه رابطه‌ای میان تصورات دینی با پذیرش تکلیف‌ها و دیگر جنبه‌های سلوک انسانی به ویژه با جنبه‌های اقتصادی سلوک انسانی در جامعه وجود دارد. بنابراین توجه وبر به دین بیشتر به جامعه‌شناسی دین است (موقن، ۱۳۲۷: ۳۰). به عنوان نمونه وبر در «اخلاق پروتستان» در مورد اصلاح دینی ناشی از پروتستان‌یسم و تأثیرات آن می‌گوید: «با توجه به درهم پیچیدگی عظیم تأثیرات متقابل میان پدیدارهای مادی، صور سازمان اجتماعی و سیاسی، و اندیشه‌ها و مضامین معنوی عصر اصلاح ناچار باید به تحقیق درباره وجود «همبستگی‌های» معینی میان برخی صور اعتقادات دینی و اخلاق شغلی و نقاطی که در آن این همبستگی‌ها مشهود است پرداخت. در عین حال، باید تا حد ممکن نحوه و جهت کلی تأثیر نهضت دینی بر تکامل فرهنگ مادی در اثر آن «همبستگی‌ها» را روشن نماییم. فقط پس از آنکه این مطلب با دقت کافی مشخص شد می‌توان در ارزیابی این نکته کوشید که تکامل تاریخی محتوای فرهنگ جدید تا چه اندازه مدیون انگیزه‌های مذهبی و تا

مسئله اصلی پژوهش حاضر، چگونگی تأثیرپذیری ایده مسلط دوران از جهان دین و نظام سازنده این جهان و تطبیق این الگو بر جهان هنر (معاصر) است. برای این منظور برداشت خاص ماکس وبر از جامعه‌شناسی دین را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. باید از اینجا آغاز کنیم که جایگاه پیوند جامعه‌شناسی دین وبر با موضع این پژوهش یعنی جهان هنر کجا است؟ همان‌گونه که جامعه‌شناسی دین وبر به نقش نیروهای مذهبی و رابطه میان تصورات دینی با پذیرش تکلیف‌ها و دیگر جنبه‌های سلوک انسانی در جامعه اشاره دارد؛ وقتی وارد جهان هنر می‌شویم می‌توان نقش نیروهای مذهبی را با استراتژی مولدان هنر یکسان دانست. ساخت کلیسا و دستگاه سازمانی دینی نزدیکی بسیاری به سازمان‌ها و نهادهای جهان هنر و ساخت سلسله مراتبی آن دارد. با شناخت و ساخت‌یابی الگوهای پیاده شده در دستگاه سلسله مراتب دین می‌توان آن را بر جهان هنر نیز اعمال کرد. لازم است در آغاز اشاره شود که هدف این پژوهش مطالعه دقیق جهان هنر و زیباشناسی نیست، بلکه می‌خواهیم تطابقی بین جهان دین و جهان هنر و عوامل آنها را براساس بسط دیدگاه وبر و چارچوب‌بندی آرای او درباره جهان دینی آرایه دهیم.

## پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر به مطالعه ساختار جهان هنر معاصر و دستگاه روحانی حاکم بر آن می‌پردازد. در مطالعه جهان هنر معاصر، بیشتر از انواع شیوه‌های تحلیل گفتمان، نظریه میدان بوردیو یا نظریات بازتاب استفاده شده است. قصد ما در این پژوهش فراتر رفتن از مطالعات متداول در فضای آکادمیک امروز ایران و آرایه رویکردی نو بوده است. بدین منظور جامعه‌شناسی دین وبر و نگاه خاص وبر در آن را انتخاب کرده‌ایم. مقاله «بازار کالاهای نمادین» پیر بوردیو، نزدیکترین متن به این نوع نگاه و رویکرد به جامعه‌شناسی دین وبر است. لازم است یادآوری شود که پژوهش حاضر اولین نمونه از اتخاذ چنین رویکردی در مطالعه جهان هنر با استفاده از جامعه‌شناسی دین وبر و واژگان و ابزارهای مفهومی وبری در فضای آکادمیک و پژوهشی ایران است.

## روش انجام پژوهش

این مطالعه شامل دو بخش است: در بخش نخست هدف، مطالعه و شناخت الگوها و سلسله‌مراتب ساخت و شکل‌گیری نهاد هنر، واسطه‌ها و ابزارهای یاری‌گر آن

چه اندازه ناشی از عوامل دیگر است» (وبر، ۱۳۹۱: ۹۰).  
وبر همواره درباره نقش عقاید و اندیشه‌ها به کنکاش می‌پردازد. به نظر او، عقاید و اندیشه‌ها در شکل دادن به برخی ویژگی‌های روانی نقش قابل توجهی دارند و براساس همین ویژگی‌ها رفتار متعارف یک سنخ شخصیتی خاص پدید می‌آید. این سنخ شخصیتی هنگامی که تثبیت می‌شود و سازمان‌های مذهبی آن را به عنوان سنخ مورد قبولشان برمی‌گزینند، الگوهای رفتاری را تعیین می‌کند (وبر، ۱۳۹۴: ۵۲۴). به باور او، برای شناخت این ارتباطات و الگوها و تأثیر آنها بر ذهن عاملان اجتماعی، اتصال باورها و کنش‌های دینی به علایق آن کسانی که آنها را تولید و اجرا می‌کنند ضروری می‌نماید (Swartz, 1996: 74)، زیرا کسانی که این عقاید را تولید و اجرا می‌کنند (متخصصان - دستگاه روحانی) عامل بسط ایده مسلط هستند. در هر حوزه‌ای مثل حوزه هنر هم، این روند جاری است.

به عنوان مثال در مورد سرمایه‌داری و ارتباط آن با پروتستانیسم، مسئله کار- تکلیف امری جدی است و وبر بحث بنیانی خود در اخلاق پروتستان را با آن آغاز می‌کند. وبر می‌پرسد کدام زمینه از عقاید سبب شد فعالیت‌هایی که به ظاهر فقط به سودجویی معطوف بود به صورت «تکلیفی»<sup>۱</sup> درآید که فرد در قبال آن احساس وظیفه (اخلاقی) نماید؟ (وبر، ۱۳۹۱: ۷۵).  
هدف وبر اینجا، نشان دادن میزان «مشارکت نیروهای دینی در صورت‌بندی کیفی و گسترش کمی» روح سرمایه‌داری است (میلنر و بروایت، ۱۳۹۰: ۹۳؛ ۶۳: ۲۰۰۲: Milner & Browitt).  
از نظر وبر اینجا هدف اصلی باید کشف آن محرکات روانشناختی باشد که با نشأت‌گرفتن از باورها و کردارهای مذهبی به سلوک زندگی جهت بخشیده و فرد را به آن مقید کردند. به این منظور وبر به تولیدکنندگان پیام دینی، به منافع خاصی که به آنها جان می‌دهد، به راهبردهایی که آنان در منازعات خود به کار می‌گیرند عنایت دارد (بورديو، ۱۳۹۰: ۱۷۴). تعیین و مشخص کردن این واسطه‌ها نقش اساسی در جامعه‌شناسی دین او ایفا می‌کند. پیمودن الگوی وبر از فهم این امر (واسطه‌ها و حدود وظیفه آنها) می‌گذرد و همه اینها وقتی که وارد یک میدان دیگر مثل جهان هنر (به ویژه هنر معاصر) می‌شود می‌تواند به عوامل آن ترجمه شده و محل مطالعه بنیادی باشد.

#### ساختاربندی هویت سوژه با استفاده از ارتباط ایده و جهان‌انگاره‌ها

مسئله ساختاربندی هویت دینی را می‌توان از طریق ارتباط ایده و جهان‌انگاره‌ها که وبر آن را ذیل استعاره

سوزن‌بان شرح می‌دهد و نیز آنچه تحت عنوان متمایز شدن و شق دوگانه پیامبر- کشیش بیان می‌کند فهمید و تحت یک چارچوب مفهومی درآورد. به باور وبر، چشم‌اندازهای ارزشی خود را در قالب «جهان‌انگاره»ها تجسم می‌بخشند. اساس زندگی اجتماعی بر گرده این جهان‌انگاره‌ها قرار دارد؛ آنها نوعی ساختار مبتنی بر تأیید را پدید می‌آورند که هویت‌های فرهنگی را مفصل‌بندی می‌کنند. «وبر بر طبق استعاره "سوزن‌بان"، برداشت خویش از این «جهان‌انگاره»ها و رابطه میان ایده‌ها و منافع اجتماعی را بیشتر توضیح می‌دهد: "جهان‌انگاره‌هایی" که توسط "ایده‌ها" خلق شده‌اند، همانند سوزن‌بان مسیرهایی را تعیین کرده‌اند که از خلال آن کنش به وسیله پویایی منافع، به حرکت و فعل در می‌آید» (اوون، ۱۳۹۴: ۱۵۶). نکته مهم این است که جهان‌انگاره‌های خلق شده توسط ایده‌ها همانند واسطه‌ها هستند که جریان همسویی و این‌همانی را شکل می‌دهند. به شرح بهتر می‌توان گفت که «در بعضی نقاط حساس و تعیین‌کننده در تاریخ، برنامه روحانی خاصی با فشار گروه معینی از افراد که دارای بعضی منافع مادی بوده‌اند، همسو شده است» (هیوز، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

این موضوع از لحاظ روش‌شناسی مهم است که تمایزهایی که وبر قائل می‌شود بیش از هر چیز دو شقی<sup>۲</sup> است... مسئله روش‌شناختی او این است که تفاوت‌های میان این دو شق و نیز روابط میان آنها را توضیح دهد و نیز شرایطی را بررسی کند که موجب می‌شود تعادل میان این دو شق به نفع یکی از آنها برهم بخورد (همان).  
رخدادی که خود در طی فرایندی دیالکتیکی بروز می‌یابد. «در طی این تنش و تمایزگذاری امری به ضد خود بدل شده و از روح خود جدا شده است. مانند اتفاقی که برای خرد انسانی رخ داده است. هر نمونه‌ای از عقلانی شدن بنیادی ناگزیر محکوم به ایجاد عدم عقلانیت است» (لوویت، ۱۳۹۳: ۹۳).

#### دستگاه نظام‌مند متخصصان دین: همسانی نهادهای

##### پست‌مدرن جهان هنر

وبر این ناعقلانیت را درونی فرآیند عقلانی‌شدن دانسته و مسئله شق‌های دوگانه را هم در بطن همین فرایند عقلانی‌شدن و افسون‌زدایی<sup>۳</sup> همیسته آن شرح می‌دهد. «تقدیر زمانه ما با عقلانی‌گری، خردورزی و بالاتر از همه، به وسیله "افسون‌زدایی از جهان" شکل گرفته است» (Weber, 1946: 155). دنیوی‌شدن، عقلانی‌شدن و پیامد آن یعنی افسون‌زدایی ما را به دست "رب‌النوع‌هایی" رها کرده که با یکدیگر در جنگ و جدال‌اند... (ابادری،

نظام‌های بهنجار و نیز کشف جهت‌هایی است که این نظام‌ها ماهیتاً در پیش می‌گیرند (و آن را در متن نظام دینی جستجو می‌کند). بوروکراسی - دیوان‌سالاری تعریف عملی این نظام بهنجار است. اصل اختیارات اداری مبتنی بر سلسله‌مراتب و الگوی هنجارمند در همه ساختارهای دیوان‌سالارانه و نیز در ساختارهای دولتی و روحانی و سازمان‌های حزبی و بنگاه‌های خصوصی بزرگ دیده می‌شود (وبر، ۱۳۹۴: ۲۲۶). دستگاه روحانی دین و نظام سلسله‌مراتب آن از این قاعده مستثنی نیست. روحانی‌سالاری در همه‌جا کوشیده است تا مذهب را در انحصار خود درآورده و خود را متولی ارزش‌های مذهبی معرفی کند، و بگوید که این ارزش‌ها صرفاً از طریق مراسم دینی و با واسطه روحانیت به فرد عطا می‌شود.

نکته مهم اینکه، این دستگاه روحانی و نظم سلسله‌مراتب در قالب نهادهای دینی، به ویژه در ساختار کلیسا مستقر شده است. این سازمان سلسله‌مراتبی دینی، خود را انجمن عقلانی و لازم‌الاطاعه‌ای می‌نماید و ادعا می‌کند که مرجعیت‌اش انحصاری است (همان: ۲۶). در مقابل کلیسا فرقه قرار دارد و کلیسا و فرقه دستگاه روحانی و نهاد دینی دوگانه کشیش- پیامبر هستند که در مقابل هم قرار دارند. ساختاری جامع دینی را می‌توان از خلال مطالعه تقابل این دو فهمید. «جامعه‌شناسی وبری دین تلاش کرده است گونه‌های جماعت‌پذیری دینی را از طریق تمایز بین کلیسا و فرقه به منزله دو شیوه هستی اجتماعی دین تعریف کند. نخستین گونه یعنی کلیسا، نهاد بوروکراتیک رستگاری را تشکیل می‌دهد که به روی همگان باز است و در درون آن اقتدار برخاسته از کارکرد کشیش اعمال می‌شود. دومین گونه یعنی فرقه، انجمنی ارادی از باورمندان را تشکیل می‌دهد. در درون این انجمن، اقتدار دینی کارزماتیک غالب است» (ارویو-لژه، ویلم، برشون و پی‌یر، ۱۳۹۵: ۶۲).

جماعت‌پذیری دینی که نمایان‌گر خصلت همگون‌ساز جهان دینی و ساخت سلسله‌مراتبی آن است توسط نهادها و متخصصان آن (کلیسا- کشیش و فرقه- پیامبر) اعمال می‌شود. در خلال این همگون‌سازی و جماعت‌پذیری اقتدار و اعمال مشروعیت خاص هر کدام جاری است. مطالعه تقابل کشیش- پیامبر، مطالعه دو شیوه اعمال قدرت دینی است. در جهان هنر به ویژه هنر امروز (معاصر- پست‌مدرن)، این ساختار و نظم دیوان‌سالارانه- بوروکراتیک همسان با عرصه دین و دستگاه دینی را می‌توان مشاهده کرد. دستگاه دین (کلیسا) همان نهادها، بنیادها، گالری‌ها؛ و واسطه‌های دینی (کاهن- کشیش)،

جهان ما بسیار شبیه جهان کافرکشی باستان است. با این تفاوت که خدایان- الاهیگان امروز، افسون‌زدایی شده‌اند. «ما هم مثل مردمان باستانی که دنیایشان هنوز از وجود خدایان و شیاطین‌اش سترده و افسون‌زدایی نشده بود زندگی می‌کنیم، فقط معنای زندگی ما با آنها متفاوت است. همان‌طور که یونانیان زمانی برای آفرودیت قربانی می‌کردند و زمانی برای آپولون، و مهم‌تر از آن، همان‌طور که همه برای خدایان شهرشان قربانی می‌کردند، ما هم امروز این کار را می‌کنیم، فقط رفتار و سکنات انسان از سیالیت رازآمیز اما ذاتاً حقیقی‌اش سترده و افسون‌زدایی شده است» (Weber, 1946 : 148).

این بن‌مایه تاریخی متضمن مجموعه‌ای از ایده‌هاست که جهان، سکولار یا افسون زدوده است... فعالیت‌های اجتماعی و اقتدار به صورت تخصصی درآمده و سرانجام جهان هرچه بیشتر با افول کاریزما، دین یا جادو، بی‌معنا شده است. از نظر وبر، جهان قابل پیش‌بینی است، ولی بدون هدفی معتبر و قابل اعتماد، یعنی بدون روایت‌های کلان (لوویت، ۱۳۹۳: ۳۷). این جهان و الگویی که وبر ترسیم می‌کند، بسیار شبیه جهان پست‌مدرن کنونی و وضعیت حاکم بر آن است. بدین ترتیب وقتی وارد جهان هنر امروز می‌شویم و چگونگی شکل‌گیری ایده‌ها و دستگاه متخصصان این جهان را مطالعه می‌کنیم، به شباهت و نزدیک آنها بیشتر پی می‌بریم.

در چنین وضعیتی، یعنی سلطه دستگاه اداری عقلانیت و سازمان و ساختار سلسله‌مراتبی عوامل و واسطه‌ها، تخصصی‌شدن پیشه‌ها و جایگاه‌ها... ارزش‌ها فردی شده‌اند، و هر فردی باید رب‌النوع خود را انتخاب کند. دستگاه بوروکراتیک دولت مدرن، همان ایزدستان یا معبد خدایان است که ما با دستان خود درحال تقدیم قربانی به آن، جستجو و در عین حال برپاداشتن خدایان جدید درون آن هستیم. «ایزدستان یا معبدی سازمان‌یافته از خدایان، مانند ظهور جادوی عقلانی شده، نشان‌دهنده حضور تفکر سیستماتیک و نهایتاً تلاش فکری برای عقلانیت نظری یا حداقل صوری است» (صدری، ۱۳۹۰: ۹۳). این معبد خدایان یا ایزدستان، مشابه نهاد هنر و دستگاه روحانی حاکم بر آن است (که در هنر معاصر در قالب موزه، گالری و ... تجسم می‌یابد). همچون «آکادمی‌های نامرئی» که از کارشناسان اداری تشکیل شده است، سیاست فرهنگی را هدایت می‌کنند و در نتیجه، بر آفرینش هنری تأثیر می‌گذارند (هینیک، ۱۳۹۳: ۹۴)

هدف وبر کشف ماهیت همین انواع ممکن و متمایز

بومی‌تر» از روشنفکران هستند. اما آرزوهای جهان‌شمول و تأملات ساختارشکنانه، روشنفکران را تبدیل به «طبقه‌ای بیگانه» در همه فرهنگ‌ها می‌کند.

پیامبر از طریق قریحه‌های شخصی است که عمل می‌کند، کارش روشنفکرانه است، اما کشیش از طریق اداری و در واقع دستگاه و تشکیلات و البته تفسیر پیامبر تأثیر می‌گذارد. منافع کشیشان در گرو حفظ اقتداری بود که بر توده‌ها داشتند. پیامبران می‌خواستند رژیم‌ها برپا کنند که بر تأمل درونی مبتنی بود، در مقابل کشیشان رژیم‌ها را پروردند که اطاعت از قوانین دینی را به نوعی رسم و آیین بدل می‌ساخت (همان: ۱۷۲). آنها در قالب کیشی سازمان‌یافته، تثبیت شده و نظام‌مند کار می‌کنند. غلبه تعریف و حدود کار و خواست کشیشان بر پیامبران را می‌توان در دوگانه روشنگران- روشنفکران مشاهده کرد. این کارویژه‌ها را در جدول (۱) مشاهده می‌کنیم.

روشن‌ترین تطبیق جهان دینی و جهان هنر براساس جامعه‌شناسی دین وبر را می‌توان در مطالعه پیر بوردیو در «بازار کالاهای نمادین» مشاهده کرد. بوردیو به تبع وبر، جامعه‌شناسی دین را، یکی از ابعاد جامعه‌شناسی قدرت می‌داند و گفتارهای دینی را در راستای منافع دینی تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و دریافت‌کنندگان این گفتارها تحلیل می‌کند. «به مفهوم وبر، یک شیوه ویژه اندیشه مولد یک شیوه ویژه کنش در جهان است» (Grenfell, 2004: 71). بوردیو پیگیر این نوع نگاه وبر به جهان دین است.

بوردیو در «بازار کالاهای نمادین» مفهوم‌سازی وبر از تغییر اجتماعی را به واسطه کشمکش میان کشیشان بوروکراتیک و پیامبران کاریزماتیک بدون تغییر حفظ کرده و پارادایم وبر را گسترش می‌دهد. به این ترتیب که کشیشان (نقاشان آکادمیک) و پیامبران (نقاشان مدرنیست) وبری تولیدکنندگان کالاهای نمادین هستند

روحانی- متخصصان جهان هنر یعنی هنرمند- منتقد، منتقد، گالری‌گردان<sup>۴</sup> هستند. خواست و ایده دستگاه روحانی هنر توسط واسطه‌هایی چون منتقدها، متخصصان هنر، گالری‌گردانان و ... جاری می‌شود. جایگاه و وظیفه هر کدام نیز مشخص است.

#### دستگاه متخصصان دین: دوگانه پیامبر- کشیش

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، روند متمایز شدن و شق‌های دوگانه‌ای که وبر به آن اشاره می‌کند، جایگاه مهمی نزد او دارد و تقریباً آن را در تمامی سطوح دستگاه فکری‌اش می‌توان دید. وبر وظیفه جامعه‌شناسی را یافتن راه‌های صحیح‌رفتن به درون این تنش‌ها می‌داند نه نادیده‌گرفتن آنها (اباذری، ۱۳۸۹: ۱۴۹). باید این مسیر را کشف کرد. دیالکتیک آدورنو نیز این‌گونه است، نه در پی رفع و نادیده‌گرفتن، بلکه کارش نشان‌دادن تناقض است.

این روند متمایز شدن و شق‌های دوگانه وبر در دستیابی به چارچوبی از تکوین تاریخی دستگاه متخصصان دینی نقش نوعی ابزار روش‌شناسی را بازی می‌کند. ارجاعات مکرر وبر به تنش‌های میان پیامبران و کشیشان در راستای همین تمایزگذاری قشرها و حاملان ایده‌های مذهبی است. در مطالعه و ساخت‌یابی نقش و ارتباط پیامبر- کشیش همان نقش و تقابل روشنفکران- روشنگران را می‌بینیم. روشنفکران در قالب پیامبران و روشنگران در قالب کشیش- کاهن که در کار تفسیر پیامبر براساس منافع خود و حفظ سلطه هستند قابل تطبیق‌اند. روشنگران نسبت به روشنفکران تمایل بیشتری دارند تا ایده‌ها را به صورت ابزاری بنگرند. آنها تمایل دارند تا ایده‌های سفت و سختی را که به منافعشان خدمت می‌کند، مورد انتقاد قرار ندهند (صدری، ۱۳۹۰: ۱۰۶). در نتیجه، روشنگران در هر فرهنگ خاصی «راحت‌تر و

جدول ۱. دستگاه متخصصان دینی، مأخذ: نگارندگان.

پیامبران-	روشنفکران	دستگاه متخصصان
ایجاد رژیم مبتنی بر تأمل درونی		دینی (همزاد)
از طریق اداری و دستگاه و تشکیلات و البته تفسیر پیامبر عمل می‌کند.		متخصصان جهان
از رهگذر مناسک آیینی به تفکیک دیندار از بی‌دین و اعمال کنترل و حدود خود می‌پردازد.	کشیشان- روشنگران	(هنر)

ترجمه کردن و ساده کردن مفاهیم و ایده‌ها. احمد صدری در "جامعه‌شناسی روشنفکران" آن را در فرایند اشاعه ایده‌ها به عنوان «کمر بند انتقال» نزد روشنگران توصیف می‌کند که به‌طور مداوم ایده‌های تولیدشده توسط روشنفکران را برای مصرف عام قالب‌گیری مجدد کرده و ساده می‌سازند (صدری، ۱۳۹۰: ۱۰۶). معادل این کارویژه را در شخصیت و کار منتقد- هنرمند، منتقد، گالری‌گردان در عرصه هنر معاصر می‌بینیم. پس در یک سو پیامبر- روشنفکر- هنرمند متعهد قرار دارد، در سوی دیگر کشیش- روشنگر که در کار تفسیر، سازمان‌دهی و عادی کردن ایده‌ها است. این جایگاه‌ها و کارویژه‌ها را می‌توان طبق رده‌شناسی جدول ۲ نشان داد، هرچند که جای‌گذاری‌ها شاید هنوز جای مطالعه و تحلیل بیشتر داشته باشد. اما شق دوگانه و تقابل پیامبر- کشیش، سازنده الگوی اصلی است.

#### بحث

نهاد هنر معاصر به مثابه سامانه‌ای مشروعیت‌دهنده نقش نهاد به عنوان حامل و واضع ایده‌ها و گفتمان مسلط و تخصیص مشروعیت در هنر معاصر باید مورد مطالعه جدی قرار گیرد. کلیت نظام گالری یکی از کارگزاران اصلی این ساختار جدید و قدرتمند است. به نظر می‌رسد می‌توان مفاهیم و بری‌ای چون دیوان‌سالاری، عقلانی‌سازی، حفظ و تخصیص، اعمال مرجعیت و خواست مشروعیت را بر آن تطبیق داد.

نهاد گالری و دستگاه روحانی آن در هنر معاصر را می‌توان بر طبق این مفاهیم و بری در جامعه‌شناسی دین مطالعه کرد. بدین منظور تمام ارکان ساختمان گالری معاصر از گالری‌دار-دلال تا گالری‌گردان، مسئول انتشاراتی‌اش، هنرمند گالری و ... محل این مطالعه و به نوعی متن پژوهشی برای رسیدن به وضعیت جهان هنر معاصر هستند. مسئله مشروعیت در رأس این مطالعه و نتایج پژوهش ما روی نظام گالری قرار دارد. نهاد و قدرت همبسته هم هستند و کارویژه‌ها و واسطه‌های خود را اختراع می‌کنند. در کتاب تأملات پاسکالی، بوردیو استدلال می‌کند که قدرت سیاسی باید خود را با مشروعیت بیرونی تصدیق کند. بنابراین قدرت از نهادهای اجتماعی خواستار بازشناخت و مشروعیت است. به منظور فراهم کردن بازشناخت مشروع، نهادها باید تصدیق و مشروعیت را خود بیاورند (Bourdieu, 2000: 104). به این ترتیب قدرت از هنرمندان و روشنفکران، اعطاء و تصدیق خودآیینی نسبی نهادها که مشروعیت آن را

که برای مصرف‌کنندگان در بین عوام رقابت می‌کنند. «در هر میدان مذهبی معین این رقابت عمدتاً خود را بین سلسله مراتب راست‌کیش از یک طرف و سردسته مرتدها و مریدانش از طرف دیگر تطبیق می‌دهد» (Rey, 2004: 331). تقابل بین راست‌کیشی و ارتداد کشمکش برای انحصار مشروعیت فرهنگی است.

بوردیو تأکید می‌کند که آنچه سرانجام برای ارتدکسی و متخصصان مذهبی آن، یا روحانیان موضوع بحث است، انحصار بر روی تولید مشروع سرمایه مذهبی و نهادی کردن سلطه‌شان در میدان مذهبی است (Bourdieu, 1971: 305). در نهاد دین، کلیسا (و متخصصان آن) خود را همچون در انحصار دارنده توزیع قانونی "کالاهای مقدس" می‌نمایاند (Sausen, Turner, 2011: 114).

این‌گونه «با دفاع از راست‌کیشی فرهنگی در مقابل پیام‌های انشعابی یا بدعت‌گذارانه... نظام حفظ و تخصیص فرهنگی [نهاد هنر] نقشی را انجام می‌دهد که همتای نمونه مشابه در کلیسا است که، طبق نظر ماکس وبر، باید به‌طور نظام‌مند دکتترین جدیدی را پی‌ریخته و حدود آن را مشخص کند یا از مورد قدیمی در مقابل حمله‌های پیامبرانه دفاع کند، و مشخص کند که کدام یک دارای ارزش قدسی است و کدام نیست، و آن را جزیی از ایمان مردم عادی سازد» (Bourdieu, 1993: 122). در این‌جا پیامبر با پدیدآورنده هنر، ایده‌های دینی با متن فرهنگی، و «مردم غیر روحانی» با مخاطبین [هنر] قابل‌قیاس هستند (لش، ۱۳۹۰: ۲۳۴). کلیسا نیز به عنوان اعمال‌کننده مشروعیت میان منادیان ایده‌های دینی و «مردم غیر روحانی» واسطه می‌شود.

#### یافته‌ها

یافته‌های این مطالعه را باید از متن تقابل و ارتباط دو شق پیامبر- کشیش و روشنفکر- روشنگر، و تعدیل‌ها و مصالحه‌هایی که در این تقابل صورت می‌گیرد، دریافت (وبر این تقابل و مصالحه را در قالب تقابل دین‌داری «ذوق‌محور» با دینداری «توده‌ای» شرح می‌دهد). همان‌طور که در بالا ذکر شد، این هماهنگی و تعدیلات، برعهده کلیسا است. «اقتدار رسمی و روحانی سالارانه «کلیسا» همواره می‌کوشد به دین توده‌ها سازمان دهد و ارزش‌های مقدسی را که خود مروج انحصاری و رسمی آنهاست به جای فضیلت‌ها و صلاحیت‌های مذهبی خودانگیخته و مستقل بنشانند» (وبر، ۱۳۹۴: ۳۲۶). این نوعی عمل کیشی و آیینی، یکسان در کار ویژه روشنگران- کشیشان- روحانیان است. یعنی انتقال،

کار هنری ضرورتاً دارای یک یا چند چارچوب خیلی دقیق است» (Buren, 1973: 68). هنرمندان درون آن چارچوب کار می‌کنند، آن چارچوب را مستقر و خود چارچوب‌بندی شده‌اند (Haacke, 2006: 55). این چارچوب، یا موزه است یا گالری و مکان‌های وابسته به آنها. درست است که موزه یک فضای خالی است، و به خودی خود چیزی نیست، معنایش را از کاری که میزبانش است و برای عموم نمایش می‌دهد به دست می‌آورد. اما اثر هنری اکنون به وسیله موزه (گالری) چارچوب‌بندی می‌شود (O'Doherty, 1976: 40).

به مثابه نهاد اصلی هنر در هنر معاصر، موزه‌ها و گالری‌ها زمینه‌هایی اختصاصی برای کارهای هنری هستند و مواجهه فیزیکی با آثار هنری در آنجا رخ می‌دهد. ظرفیت آنها برای ارزانی داشتن "هنر-بودگی" (Duncan, 1995: 110)، امری مهم است. آن‌ها در پراتز قراردادن ابژه‌ها، کالبدها و حوادث، آنها را هم بافت‌زدایی می‌کند و هم باز-بافت‌مند. اما آیا این

فراهم می‌کنند می‌خواهد. نهاد هنر همچون یک منطقه حایل ساخت یافته و عمل می‌کند. روشن است که «تأثیر اجتماعی یک کار هنری نمی‌تواند به سادگی و به وسیله ملاحظه خود کار سنجیده شود بلکه تأثیر آن به طور قطع به وسیله نهادی که جایگاه کارویژه و عملکرد کار هنری است تعیین می‌شود» (Burger, 1974: 90). به باور پتر بورگر اگرچه دیدگاه هنرمندان نوآنگارد "ممکن است آوانگاردیستی باشد"، با این اوصاف هنر آنها همچون هنر خودآیین نهادی شده است. پس نهاد هنر، حتی در کارهای هنری‌ای که به ظاهر قصدش غلبه بر تقسیمات بین هنر و نا-هنر است، تاب آورده و باقی می‌ماند.

نهاد هنر (موزه-گالری) ارزش‌های یک کار یکتای هنری را تغییر مسیر داده و محدود می‌کند. در کارکرد موزه، بورن به موزه به عنوان "چارچوب و پشتبان کارآمد که براساس آن اثر شکل گرفته است" اشاره می‌کند، «نهاد هنر کار هنری را چارچوب‌بندی می‌کند: در حقیقت هر

جدول ۲. سلسله‌مراتب جایگاه‌ها در دستگاه دین، مأخذ: نگارندگان.

کارویژه‌ها	جایگاه‌ها و حرفه‌ها
کشیشان	پيامبران
روشنگران	روشنفکران
خرد عملی سازمان‌دهنده و تفسیرگر.	خرد نظری خلاقانه، دگراندیشانه یا پیامبرانه.
بازتفسیر و عادی کردن (همگون‌سازی) ایده‌ها (توسط حافظان سنت، در هنر توسط راست‌کیشان آکادمیک).	عقلانی کردن ایده‌ها توسط دوستداران حقیقت‌ناب، هنر و زیبایی خود بنیاد توسط هنرمند آوانگارد.
استفاده از ایده‌ها و هنر ناب در جهت این‌همانی و عادی/همگانی کردن توسط کارگزاران-متخصصان عملی ایده‌ها-هنر.	بازتفسیر و بهبود ایده‌ها در دستگاه خاص این جایگاه: فرقه، گالری شخصی، متن اثر.
نظام‌مند کردن ایده‌ها در دستگاه روحانی خاص این جایگاه: کلیسا، آکادمی، گالری، نقدنامه.	کاهن، جادوگر، متخصص، تفسیرگر، آشوب‌گر، شخصیت دیوان‌سالار، ناشر، منتقد، هنرمند-منتقد، گالری‌دار، گالری‌گردان، هنر توده، هنرمند محافظه‌کار-سنتی، پست‌مدرنیسم واکنشی
	پيامبران، روشنفکران، پیامبر نمونه، نظریه‌پرداز عالی‌رتبه-انقلابی، آوانگارد، هنرمند متعهد-مستقل، فیلسوف، زیباشناس منتقد هنر متعالی، هنرمند آوانگارد-پیشرو پست‌مدرنیسم مقاومت

سلوک انسانی در جامعه اشاره کرده و نشان می‌دهد این ارتباطات هستند که به رفتار و کردار آدمی در هر جهانی (دین- هنر) شکل می‌دهند. پس برای رسیدن به دلایل و نتایج این رابطه‌ها باید آنها را ساخت‌گشایی کرد. از طریق این کار می‌توانیم به یک نظام سلسله‌مراتبی و رده‌شناسی تکوین تاریخی دستگاه متخصصان دینی برای هر نظام فکری (مثلاً جهان هنر و دستگاه روحانی آن) برسیم. نکته مهم در جهت این ساخت‌گشایی، این است که عرصه دین را باید به مثابه نظامی نمادین فهمید. برای همین است که وبر دایماً به ما گوشزد می‌کند که به منظور درک رابطه میان ایده‌های بنیادین مذهبی و دستورات آن برای زندگی باید متون دینی مرتبط را به مثابه متونی که آشکارا حاصل عملکرد دستگاه روحانی هستند با دقت بررسی کرد. در مطالعه جهان هنر معاصر، به مانند جهان دین (آن‌گونه که وبر به ما می‌گوید)، نیز باید دست به نوعی تحلیل متن نظام هنر بزنیم. از موارد مهمی که جامعه‌شناسی دین وبر و ابزارهای مفهومی- نظری‌اش به کار پژوهش ما (مطالعه هنر معاصر) می‌خورد همین‌جا است. برای فهم کارکرد پنهان قدرت ناشی از این ساختار بوروکراتیک و دستگاه گفتمانی آن، باید ناخودآگاه متن برسازنده هنر معاصر را کاوید و آن را به عنوان محمل حضور ایده‌های جهان هنر خواند و تحلیل کرد. لازم است که باز تأکید شود که نظام گالری در کلیت آن بهترین محل این مطالعه و تحلیل را برای ما فراهم می‌کند.

با توجه به رده‌بندی و تحلیلی که وبر برای ما ترسیم می‌کند، پیشنهاد ما برای تحلیل هنر معاصر و شناخت

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های موزه‌ها- گالری‌ها نیست، کشتن چیزها، خاتمه‌دادن به آنها، دادن قدرت به آنها و به این ترتیب بیرون‌بردن از زمینه واقعی هر روزه‌شان؟ به قول اوبریست آن نوعی گورستان برای هنر است... (Obriest, 2008: 120-121). دستگاه مادی و کارویژه‌ها در نهادهای حاکم بر جهان هنر (معاصر- پست‌مدرن) مثل همین موزه- گالری را می‌توان با دستگاه روحانی دین در جامعه‌شناسی دین وبر، بر طبق جدول ۳ تطبیق داد. در هنر معاصر، نهاد کلیسا معادل همان نهاد گالری است و دستگاه روحانی و متخصصان آن، گالری‌دار، گالری‌گردان- کیوریتور و منتقد هستند.

در نهاد هنر معاصر، شاید بتوان گفت مهم‌ترین جایگاه از آن گالری‌گردان است. قدرت مشروعیت‌بخش او در واقع امری آفریننده است. در هنر معاصر، در بسیاری از موارد اساساً وجود و یا بازشناسی یک چیز به عنوان «اثر هنری» در گرو بسترهای نهادی و گفتمانی «کیوریتورانه» آن است. جریانی که قرار بود بداهت نهادهای هنر معاصر را از میان بردارد و به پرسش بکشد... اما خود به قواعد بازی هنر معاصر بدل شده است (اخگر، ۱۳۹۴: ۱۴۵). همان‌طور که می‌بینیم، شباهت و تطبیق بین گفتمان جدید جهان هنر و جهان دین و دستگاه روحانی حاکم بر آن در پدیده گالری‌گردان به بهترین نحو نمایانده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در جامعه‌شناسی دین، وبر به اهمیت رابطه‌ای میان تصورات دینی با پذیرش تکلیف‌ها و دیگر جنبه‌های

جدول ۳. تطبیق نقش‌ها و کارویژه‌ها در جهان دین و جهان هنر، مأخذ: نگارندگان.

جهان هنر (هنر معاصر)	نظام دینی	
نظام زیباشناسی	دستگاه روحانی	دستگاه
موزه- گالری	کلیسا	مادی
منتقد- گالری‌دار- گالری‌گردان	کشیش- کاهن- جادوگر	
یک‌دست‌کردن- انضمامی‌کردن- این‌همانی	همسانی- مصالحه	
	این‌همانی- افسون‌زدایی	کارویژه
نظام‌مندکردن	از طریق دستگاه و سیستم عقلانی- اداری	



- وبر، ماکس. (۱۳۹۱). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ت: عبدالکریم رشیدیان. پریسا منوچهری کاشانی، تهران: علمی فرهنگی.
- موقن، یدالله. (۱۳۲۷). عقلانیت و آزادی. تهران: هرمس.
- وبر، ماکس. (۱۳۹۴). دین، قدرت، جامعه. ت: احمد تدین، تهران: هرمس.
- هینیک، ناتالی. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی هنر، ت: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: آگه.
- هیوز، هنری استیوارت. (۱۳۹۱). آگاهی و جامعه. ت: عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- Bourdieu, P. (1971). Gene's et structure du champ religieux. *Revue Francaise de Sociologie*, 12 (2): 295-334.
- Bourdieu, P. (1993). *The Field of Cultural Production: Essays on Art and Literature*. UK. Columbia University Press: Polity Press.
- Bourdieu, P. (2000). *Pascalian Meditations*. Translated by Nice, R. Cambridge: Polity Press.
- Buren, D. (1973). *Function of the Museum*, Artforum. Vol. XII, No. 1. New York: Charles Cowles.
- Burger, P. (1974). *Theory of the Avant-Garde*. Minneapolis: United Kingdom by Manchester University Press.
- Duncan, C. (1995). *Civilizing rituals: inside public art museums*. London; New York: Routledge.
- Grenfell, M. (2004). *Pierre Bourdieu: Agent Provocateur*, London: Continuum.
- Haacke, H. (2006). *All the Art's That Fit Show*. In *Institutional Critique and After (Soccas Symposia Vol. 2)*. Zurich: JRP|Ringier.
- Milner, A & Browitt, J. (2002). *Contemporary cultural theory*. Australia: Allen & Unwin.
- O'Doherty, B. (1976). *Inside the White Cube*, Part III. Context as Content. Artforum, November 1976. San Francisc: The Lapis Press.
- Orbist, H-U. (2008). *A brief history of curating*. Zurich: JPR/Ringier. in co-edition with Les Presses du reel.
- Rey, T. (2004). Marketing the goods of salvation: Bourdieu on religion. Elsevier Ltd, *Religion* (34): 331-343.
- Sausen, S, Turner. B, S. (2011). *The Legacy of Pierre Bourdieu*. UK and, USA. Anthem Press.
- Swartz, D. (1996). *Bringing the Study of Culture and Religion: Pierre Bourdieu's Political Economy of Symbolic*

نهادهای حاکم بر هنر معاصر در ایران، این است که نخست ساختار سلسله مراتبی نظام گالری که همسان نظام کلیسا فرض می‌شود مطالعه شود؛ برای مثال گالری‌های تهران و کارهای انجام شده توسط آنها همچون گالری هما و شیرین و سالانه "منتخب نسل نو" که توسط آنها برگزار می‌شود و تاکنون ده دوره آن برپا شده است نمونه مناسبی برای پیاده‌کردن تحلیل مورد نظر ماست.

در مرحله دوم باید متونی را که گفتمان جهان- نهاد هنر معاصر را می‌سازند مطالعه کنیم، یعنی متون برساخته توسط آکادمیک‌ها، منتقدان و گالری‌گردانان، (در مورد گالری هما و شیرین و "سالانه منتخب نسل نو"، کاتالوگ سالانه‌ها که حاوی ساختار گالری‌ها و سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری و تأیید هنرمندان و کارهای آنهاست) متونی که حاصل عملکرد دستگاه روحانیت مختص به هرکدام است. از این راه تاریخ و نقد هنر معاصر ایران ساخته و شناخته می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. Beruf
۲. Dichotomous
۳. Disenchantment
۴. Curator

#### فهرست منابع

- ابادزی، یوسف. (۱۳۸۹). خرد جامعه‌شناسی، تهران: طرح نو.
- اخگر، مجید. (۱۳۹۴). ملاحظاتی درباره فیگور جدید «کیوریتور». *مجله حرفه‌هنرمند*، (۵۷): ۱۴۵.
- ارویو-لژه، دانیل، ویلم، ژان-پل و برشون، پی‌یر. (۱۳۹۵). دین در جوامع مدرن. ت: علیرضا خدای، تهران: نی.
- اوون، دیوید. (۱۳۹۴). بلوغ و مدرنیته. ت: سعید حاجی ناصری، زانیار ابراهیمی، تهران: رخداد نو.
- بوردیو، پی‌یر. (۱۳۹۱). نظریه کنش. ت: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- صدری، احمد. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی روشنفکران ماکس وبر. ت: حسن آبنیکی، تهران: انتشارات کویر.
- لش، اسکات. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم. ت: شاپور بهیان، تهران: ققنوس.
- لوویت، کارل. (۱۳۹۳). ماکس وبر و کارل مارکس. ت: شهناز مسمی‌پرست، تهران: ققنوس.
- میلنر، اندرو و براویت، جف. (۱۳۹۰). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر. ت: جمال محمدی، تهران: ققنوس.

- Power, *Sociology of Religion*. Vol. 57. (1).chicago: Religion. Mills, C, Wright, 1946, From Max Weber. New York: Oxford University Press.
- Weber, M. (1946). *Science as Vocation*. in: Gerth, H, H,

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

قادرنژاد حمامیان، مهدی، پیراوی ونک، مرضیه و صدرالدین، طاهری. (۱۳۹۷). ساخت الگویی برای تحلیل جهان هنر معاصر براساس دستگاه روحانی جهان دینی با استفاده از جامعه‌شناسی دین ماکس وبر. *باغ نظر*, ۱۵ (۶۶): ۶۲-۵۳.

DOI: 10.22034/bagh.2018.76988

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_76988.html](http://www.bagh-sj.com/article_76988.html)

